**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر واحد**

**بحث انسداد**

**تنبیهات انسداد**

**تنبیه اول**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه شصت و سوم\_28 بهمن 1398**

شیخ اعظم قدس الله نفسه الزکیه بعد از بیان مقدمات انسداد و شرح و تفصیل آن در صفحه 437، می فرماید ینبغی التنبیه علی امور. از این بحث تعبیر می کنند به تنبیهات انسداد.

تنبیه اول؛ اجازه بدهید یک جمله بگویم بعد طبق شیخ وارد توضیح بشویم. سوال ما در این تنبیه اول این است؛ اگر ما انسدادی شدیم و قائل به حجیت ظنون شدیم، فرقی است بین مسائل اصولیه و فرعیه یا نه؟

حال از بیان شیخ شروع می کنیم. شیخ از این جا شروع می کند که مقتضای مقدمات انسداد وجوب امتثال ظنی است نسبت به احکام مجهولی . یعنی میرزا می گفت هر جا که حکمی را نمی دانی انچیزی را که ظنت به ان طرف می رود باید امتثال کنی.

ولی از نظر من شیخ در امتثال ظنی بین تحصیل ظن به حکم فرعی واقعی و تحصیل ظن به حکم فرعی ظاهری نیست.

مثال می زنیم؛ اگر از شهرت قدما به این نتیجه رسیدیم که حکم واقعی عصیر عنبی نجاست است پس ظنی پیدا کردیم بالحکم الفرعی الواقعی. منشا ظن چه بود؟ شهرت قدماء.

مثال دوم؛ ما دیدیم که شارع فرموده است القرعه لکل امر مشکل. حال ما از این گفته شارع ظن به حجیت قرعه پیدا می کنیم. در یک مطلب مشکلی قرعه می اندازیم. هرگز ظن به حکم واقعی پیدا نمی کنیم ولی متثال ظنی در مورد قرعه هست و خاصیت امتثال ظنی هم برائت ذمه من هست. ما اگر سخنی از واقع می گوییم، واقع به ما هو واقع برای ما مقصود نیست. واقع از ان جهت که مبریء ذمه است و لو به امتثال ظنی و امتثال ظنی یک وجه اشتراک دارد با تحصیل ظن به حکم واقعی و ان این است که هر دو مبری ذمه هستند بنابراین از نظر شیخ فرقی در حجیت ظنون بنابر مسلک انسداد بین آن جایی که متعلق ظن، حکم فرعی واقعی باشد یا متعلق ظن، حکم فرعی ظاهری باشد، نیست. در قرعه هرگز جنبه ارائه واقع در کار نیست. درست است که جنبه ارائه واقع نیست ولی مبری الذمه هست. در حجیت ظن به نظر شیخ اعظم انچه که مهم است جنبه ابراء ذمه است. این آن بند اول فرمایشش است.

در بند دوم یک عبارت دارد من عبارت را بخوانم خوب است:

فکما انّه لا فرق فی مقام تمکن من العلم بین تحصیل العلم بنفس الواقع و بین تحصیل العلم بموافقة طریق علم کون سلوکه مبرءً للذمه فی نظر الشارع فکذا لا فرق عند التعذر العلم بین الظن بتحقق الواقع و بین الظن ببرائت الذمه فی نظر الشارع.

خیلی این بند مراد شیخ را به خوبی بیان می کند. می گوید شما از بحث ظن بیا بیرون. یک وقت شما علم پیدا میکنی که واقع است و اگر عمل کردی برائت ذمه حاصل میشود. علمت به یک حکم فرعی شد؛ گاهی علم به حکم پیدا نمی کنی. علم پیدا می کنی به این که این راه و هذا الطریق مبریء للذمه. در حجیت علم بین این دو جا فرقی است؟ نه. در هر دو جا علم راهگشا و مبری ذمه است چه متعلق خود واقع باشد و چه متعلق علم یک راهی باشد برای رفع ذمه. چطور در علم بین این دو مورد فرقی نیست در ظن هم همین است.

اگر شما یقین صد در صد از هر راهی پیدا کردید ان عصیرالعنبی نجس و دوم یقین صد در صد پیدا کردی در مشکلات باید قرعه بیاندازد. درست است که یکی واقع را نشان نمی دهد ولی از انجایی که مهم ابراء ذمه است بین این دو مورد فرقی نمی کند.

همین سخنی را که در یقین و علم گفتید بنا بر ظن علی مسلک انسداد هم ما این را می گوییم.

این نظر من شیخ است اما دو گروه با من مخالف هستند؛

گروه اول مرحوم شیخ محمد تقی صاحب حاشیه معالم و به تبع ایشان برادرش است، صاحب هدایت المسترشدین و صاحب فصول

گروه دوم هم مرحوم شریف العلما و من تبعه من سید مجاهد

اما هدایت المسترشدین و فصول می گویند مقدمات انسداد فقط در جایی کارساز است که متعلق ظن طریق شرعی باشد و هرگز از مقدمات انسداد اعتبار ظن در نفس حکم فرعی استفاده نمی شود. این ها می خواهند بگویند از ادله انسدادیون بیش از حجیت ظن نسبت به طرق شرعیه استفاده نمی شود.

اما در برابر نظر دوم دقیقا مقابل نظر اول است. ان ها می گویند مقدمات انسداد فقط ظن در خود احکام فرعیه را ححجت قرار می دهد و اما ظن در مسائل اصولیه حجیتش از دلیل انسداد بیرون نمی اید و دلیل مقدمات انسداد فقط در مسائل فرعیه جاری است دون الاصولیه.

شد سه احتمال؛

از همین اخر شروع می کنیم. نظر اول می گویند مقدمات انسداد فقط در احکام فرعیه واقع نما حجیت دارد دون الاصول. نظر دوم دو برادر می گویند نتیجه مقدمات انسداد حجیت ظن در مسائل اصولی است و نظر سوم نظر شیخنا الانصاری است که فرمود هر دو است.

حال بیاییم سراغ ادله این بزرگواران.

تا صفحه 439، ناقل عین عبارات فصول است شیخ. من اجازه بدهید عبارات صاحب فصول را بخوانم و معنا کنم، این ها عین عبارت فصول است:

انا کما نقطع بانا مکلفون فی زماننا هذا تکلیفا فعلیا باحکام فرعیة کثیرة لا سبیل لنا بحکم العیان و شهادة الوجدان الی تحصیل کثیر منها بالقطع و لا بطریق معین یقطع من السمع بحکم الشارع بقیامه او قیام طریقه مقام القطع و لو عند تعذره کذلک

در این عبارت و عبارتی که بعدا می خوانیم سخن از دو قطع است؛ اول ما یقینا می دانیم که در این عصر و زمان تکالیف فعلیه فرعیه کثیره­ایی داریم. یعنی علی الاجمال می دانیم که تکالیفی داریم. یعنی این که ما نمی توانیم به تک تک این احکام یا قطع پیدا کنیم یا حجت قطعیه پیدا کنیم. ما نمی توانیم به شهادت وجدان و به حکم عیان بیاییم روی تک تک این ها بگوییم این ها را ما قطع داریم یا حجت قطعیه داریم به صورتی که کان قطع داریم و این جایگزین قطع است. همانطور که این قطع را داریم به این که ما تکالیفی داریم که نمیشود به حکم عیان و شهادت وجدان به همه این ها قطع پیدا کنیم تفصیلا. قطع داریم که احکامی داریم که نسبت به ان احکام قاطع هستیم که امتثال قطعی در همه اش ممکن نیست، کذلک نقطع بانَّ الشارع قد جعل لنا الی تلک الاحکام طرق محسوسه و کلفنا تکلیفا فعلیا بالرجوع الیها فی معرفتها.

ما یک قطع دیگر هم داریم و ان این است که شارع قطعا نمی اید ما را یله و رها بگذارد.

این ترجمه عبارت اما توضیح به بیان خودمان.

عرض می کنیم:

1. ما قطع اجمالی داریم به این که خداوند متعال شارع و مکلِف است و ما هم مکلَف به تکالیف و به ان تکالیف قطع اجمالی داریم. وجه این قطع ما این است که شارع کارش بیان تکالیف است و یله و رها که مردم را رها نمی کند. پس ما می دانیم به وجود تکالیفی در شریع اجمالا. دلیل این قطع ما شارع بودن پروردگار است . این که برهان نمی خواهد.
2. ما قطع داریم که امتثال تفصیلی برای ما ممکن نیست فی زماننا هذا در همه تکالیف ممکن نیست بله در برخی ممکن است. دلیل این قطع ما به حکم العیان و شهادة الوجدان است. کیست که می تواند ادعا کند که من در تمام تکالیف امتثال تفصیلی دارم.

این دو قطع را در یک خانواده بگذارید و از یک جنس هستند. نتیجه این دو قطع برای ما ابهام اورده است چون نمی دانیم چکار باید بکنیم. از یک طرف می دانیم تکالیف داریم و از طرف دیگر طریق امتثال را نمی دانیم . این ها با هم درون خانواده اش با هم جنگ دارند.

1. چون می دانیم شارع حکیم است و تکلیف لغو نمی کند، چون می دانیم شارع تکلیف بما لا یطاق نمی کند، پس یک راه جایگزینی باید بیان کند.

با این بیان روشن شد که ما درست است تکالیفی قطعا داریم و درست است که امتثال قطعی نمی توانیم بکنیم ولی شارع مقدس برای ما راه های مخصوصی برای امتثال تکلیف قرار داده است و اگر ان راه ها را قرار نداده بود حق عقاب نداشت.

ادامه بحث فردا ان شاء الله

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد صلی الله علیه و آله و سلم.